

مقاله‌ی پژوهشی

تبیین فقهی حقوقی مصادره‌ی اموال در جرائم دارویی

سعید نظری توکلی^{۱*}، حجت عزیزاللهی^۲

۱. استاد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده‌ی الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده‌ی الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

* نویسنده‌ی طرف مکاتبه:

سعید نظری توکلی

آدرس: تهران، خیابان شهید مفتح، دانشکده الهیات

و معارف اسلامی دانشگاه تهران

کد پستی: ۱۵۷۶۶۱۳۱۱۱

تلفن: ۰۲۱ - ۴۲۷۶۲۲۸۳

Email: sntavakkoli@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸

جرائم دارویی، فارغ از پیامدهای خسارت‌بار اقتصادی، بهداشت عمومی و سلامت اشخاص را نیز تهدید می‌کند؛ بنابراین، جامعه‌ی جهانی برای مبارزه‌ی مؤثر با آن‌ها، مصمم شده است. در قوانین، موضوع مصادره‌ی اموال، به‌عنوان کیفر برای مجرمین در جرائم دارویی در نظر گرفته شده است؛ درحالی‌که از لحاظ فقهی، این مجازات با چالش‌هایی روبه‌روست. یافته‌های پژوهش حاضر که به روش توصیفی تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای انجام شده است، نشان می‌دهد که قانون‌گذار، در ماده‌ی ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی، مصادره‌ی اموال را به‌عنوان مجازات، در برخی از جرائم دارویی، پذیرفته است. از نظر فقهی هم، انسان نسبت به اموال و دارایی‌های خود، حق مالکیت دارد؛ اما معنای آن، مالکیت مطلق وی نیست و بنا بر شرایط خاص و در فرض وجود مصالح عمومی، این حق می‌تواند در قالب مصادره‌ی اموال، نادیده گرفته شود؛ به شرط آنکه راه‌های بازدارنده‌ی دیگری برای ارتکاب جرائم دارویی، اجراشدنی نباشد.

واژگان کلیدی: جرائم دارویی، دارو، مصادره‌ی اموال، فقه.

مقدمه

از سال ۱۳۵۷ تاکنون، قوانینی متعدد با محوریت مصادره‌ی اموال، به تصویب قانون‌گذار رسیده است؛ از جمله می‌توان به اصل ۴۹ قانون اساسی و قانون «نحوه‌ی اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» با پانزده ماده و پنج تبصره و نیز، مواد ۵۲۲، ۵۳۹، ۵۶۲، ۵۸۸، ۶۴۰، ۷۰۹ و ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی و مواد ۴، ۱۳، ۱۴، ۲۸ و ۳۰، قانون «اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر» و ماده‌ی ۳ و ۴ قانون «تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری» و ماده واحده‌ی قانون «راجع به جلوگیری از عمل قاچاق توسط وسایل نقلیه‌ی موتوری» و ماده‌ی ۱۸ قانون «مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوراکی و آشامیدنی» و ماده‌ی ۳ قانون «تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح» و ماده واحده‌ی قانون «تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول» اشاره کرد. در برخی از این قوانین، مصادره‌ی اموال، مجازات تعزیری است (ماده‌ی ۱۹ قانون مجازات اسلامی)، در برخی، جنبه‌ی پیشگیرانه و جلوگیری از جرم دارد (ماده‌ی ۳۳ و ۳۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق مواد به آن، مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام) و در برخی، جنبه‌ی استرداد اموال نامشروع (ماده‌ی ۱۰ قانون مجازات اسلامی).

ماده‌ی ۱۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات‌ها را به چهار گروه حد، قصاص، دیه و تعزیر تقسیم کرده است. از آنجاکه مصادره‌ی اموال، ماهیت حدی، قصاص و دیه ندارد، باید آن را از جمله‌ی مجازات‌های تعزیری به حساب آورد که در شرع، میزان و مقدار آن مشخص نشده است (ماده‌ی ۱۸ همان قانون)؛ زیرا مجازات تعزیری، به اعتبار موضوع خود، به تعزیر بدنی و

تعزیر مالی تقسیم‌شدنی است (۱) و در نتیجه، مصادره‌ی اموال، آنجا که جنبه‌ی مجازات دارد، مجازات تعزیری است. طبق بررسی‌های به‌عمل‌آمده، مهم‌ترین علل ارتکاب جرائم دارویی، عبارت‌اند از: ۱. وضع تعرفه‌های بالا برای واردات دارو و گران‌شدن قیمت کالا در ایران، نسبت به کشورهای همسایه؛ ۲. تخصیص یارانه‌های غیرهدفمند به دارو؛ ۳. سیاست‌های حمایت افراطی از تولید داخلی؛ ۴. شناسنامه‌دارنبودن کالاها و نبود بانک جامع اطلاعاتی که سبب مبهم‌بودن سرنوشت کالا می‌شود؛ ۵. ضعف‌های قانونی، شامل متناقض‌بودن، تفسیرپذیربودن، ثبات‌نداشتن، ناهماهنگی با نیازهای واقعی، عدم ارائه‌ی تعریف از جرائم دارویی و مجازات بسیار ناچیز برای آن.

از آنجاکه جرائم دارویی، به تمامیت جسمی انسان‌ها آسیب می‌رسانند، در زمره‌ی خطرناک‌ترین گونه‌های بزهکاری به حساب می‌آیند. همین امر سبب شده تا قانون‌گذار، با وضع قوانین بازدارنده و تأدیبی، از جمله، مصادره‌ی اموال مرتکبان جرائم دارویی، از رشد فزاینده‌ی آن‌ها جلوگیری کند؛ اما از آنجاکه وضع چنین مجازاتی، با احترام به مالکیت افراد که مورد تأکید آموزه‌های اسلامی است، ناسازگار است، ضروری است با تحلیل فقهی این قوانین، میزان انطباق آن‌ها را با موازین حقوق اسلامی بررسی کنیم و به این پرسش، پاسخ دهیم که سلب مالکیت اشخاص در این‌گونه جرائم، از چه پشتوانه‌ی فقهی برخوردار است. باوجوداین، تاکنون تحقیقی گسترده در این باره انجام نشده است؛ هرچند آثاری مختلف درباره‌ی قاچاق کالا و ارز، مواد مخدر، مشروبات الکلی و دیگر کالاها نوشته شده است؛ از جمله: عامری (۱۳۹۵) در کتاب تحلیل و ارزیابی سیاست جنایی ایران در حوزه‌ی ضبط و مصادره‌ی اموال، تفاوت ضبط و مصادره‌ی اموال، تاریخچه‌ی قانونی آن و

ارزیابی گفتمان سیاست جنایی ایران در قبال ضبط و مصادره‌ی اموال را مطالعه و بررسی کرده است. زرگوش (۱۳۹۱)، کتابی با عنوان حقوق اداری (تملک املاک، شبه‌تملک‌ها و سلب مالکیت از سرمایه‌ها توسط دولت) (۲) را به نگارش درآورده، در بخش‌هایی از آن، به موضوع مصادره‌ی اموال اشاره کرده و در کل، به مبحث تملک و سلب مالکیت توسط دولت پرداخته است. محمدی (۱۳۷۵)، در کتاب ضبط و مصادره و استرداد اموال (۳)، به مبانی مواد قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری از جهات فقهی و حقوقی توجه نموده و به تعیین تکلیف اشیاء و اموال مصادره شده از دیدگاه قضایی پرداخته است؛ که هدف از این بررسی بازنمودن برخی نکات کلیدی و نیز موجبات و معضلات در مورد ضبط اموال و استرداد آن‌ها و توجیه چون و چرایی این پدیده می‌باشد. دلیر (۱۴۹۰)، در کتاب خود با عنوان حقوق مصادره (۴)، مبانی و اصول مربوط به مصادره‌ی اموال را در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان و همچنین، اسناد بین‌المللی، بررسی و درباره‌ی آن بحث کرده است.

مفهوم‌شناسی

دارو: دارو به موادی گفته می‌شود که مصرف آن‌ها منجر به تشخیص بیماری یا پیشگیری از بیماری یا درمان یا توقف بیماری یا رفع علائم بیماری می‌گردد و در نتیجه با مصرف این مواد، حالت غیرطبیعی جسمانی برطرف گردیده و درد التیام یافته و در نهایت به بازسازی، طبیعی کردن کار اندام‌های انسان یا حیوان می‌انجامد (۵).

بر اساس ضوابط سازمان غذا و دارو وزارت بهداشت، دارو به فراورده‌ای اطلاق می‌شود که برای پیشگیری و درمان بیماری‌ها یا اصلاح وضعیت فیزیولوژیک به کار می‌رود و مصرف آن در کشور مجاز است. در تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۳

اصلاحی قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی، مصوب سال ۱۳۷۹، همه‌ی فراورده‌های تقویتی، تحریک‌کننده و ویتامین‌ها که فهرست آن‌ها توسط وزارت بهداشت، اعلام و منتشر می‌شود، جزء اقلام دارویی است. داروها به دو دسته‌ی عمومی (ژنریک) و تجاری (برند) تقسیم می‌شوند. داروهای عمومی را، ممکن است هر تولیدکننده‌ای، تولید و عرضه کند؛ اما داروهای برند را، تولیدکننده‌ای خاص تولید می‌کند (۵). به موجب تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۳ همان قانون، داروهای ژنریک به داروهای گفته می‌شود که با نام شیمیایی یا عمومی یا توسط وزارت بهداشت، تأیید می‌شوند. بر اساس ماده‌ی ۱۳ آن قانون، داروی اختصاصی، شامل داروهای می‌شود که به‌طور ساده یا از اختلاط یا ترکیب چند دارو، در نتیجه‌ی ابداع شخص یا شخصیت حقوقی معینی، به دست آمده و با فرمول، اسم ثابت و علامت صنعتی مخصوصی، به نام ابداع‌کننده، در کشور ایران یا کشورهای خارجی به ثبت رسیده باشد.

جرائم دارویی: فعالیت در امور دارویی، نیازمند گرفتن مجوز از وزارت بهداشت است؛ در نتیجه، فعالیت بدون مجوز در زمینه‌های مختلف دارویی، جرم به حساب می‌آید. به موجب «تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۳ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی اصلاحی ۱۳۷۴/۲/۲۷»، واردات و صادرات و خریدوفروش دارو، بدون گرفتن مجوز از وزارت بهداشت، جرم، محسوب و مرتکب، به مجازات‌های مقرر در ماده‌ی ۳، محکوم و داروهای کشف‌شده به نفع دولت ضبط می‌شود. تبصره‌ی ۲ همان ماده، مقرر می‌دارد: «در صورتی که هریک از مسئولان موضوع ماده‌ی ۳ یا مسئولان مراکز ساخت، تهیه، توزیع و فروش دارو، تجهیزات و ملزومات پزشکی، اقدام به خریدوفروش غیرقانونی آن موارد کنند یا

پرداخت غرامت که اغلب به عنوان مجازات و محکومیت در قبال جرم و گاه، به دلیل تصرف و استفاده غیرقانونی از مال، انجام می‌شود» (۱۴). از دیدگاه حقوق جزا، مصادره، مجازات مالی است که به حکم دادگاه، تمام یا قسمتی از اموال یک شخص به دولت منتقل می‌شود (۱۵). با توجه به کاربردهای مختلف مصادره در متون فقهی، مانند مصادره‌ی اموال محتکر، مصادره‌ی اموال مرتد فطری، مصادره‌ی ادوات حرام و مصادره‌ی ابزار و آلات جرم، این واژه با سه اصطلاح «استرداد»، «تقاص» و «سلب مالکیت» در ارتباط است: ۱. مصادره، به عنوان استرداد، یعنی بازگرداندن مال به محل واقعی خود که امری مشروع است (۱۶)؛ ۲. مصادره، به عنوان تقاص، یعنی تملک اموال مدیون، در صورتی که از ادای دین خود امتناع می‌کند؛ ولی مالی نزد طلبکار دارد (۱۳)؛ ۳. مصادره، به عنوان حکم حکومتی، یعنی مصادره در حال ضرورت و وجود مصلحت (۱۴).

موضوع‌شناسی

دارو در قوانین ایران: فعالیت در امور مربوط به دارو، نیازمند گرفتن مجوز از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. به موجب تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۳ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی، اصلاحی ۱۳۷۴/۲/۲۷، «واردات و صادرات و خرید و فروش دارو، بدون اخذ مجوز از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جرم محسوب شده و مرتکب، به مجازات‌های مقرر در ماده‌ی ۳، محکوم و داروهای مکشوفه به نفع دولت ضبط خواهد شد». به موجب تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۳ این قانون، در صورتی که هر یک از مسئولان موضوع ماده‌ی ۳ یا مسئولان مراکز ساخت، تهیه، توزیع و فروش دارو، تجهیزات و ملزومات پزشکی، مبادرت به خرید و فروش غیرقانونی موارد فوق کنند یا موجب اخلال در نظام توزیع داروی کشور شوند، افزون بر مجازات مقرر در

موجب اخلال در نظام توزیع داروی کشور شوند، افزون بر مجازات مقرر در ماده‌ی ۳، به محرومیت از اشتغال در امور دارویی محکوم خواهند شد؛ بنابراین، منظور از جرائم دارویی، جرائمی است که در روند صحیح تولید، توزیع و خرید و فروش دارو، ایجاد اختلال می‌کند یا زمینه‌ی سوءاستفاده‌ی متصدیان این امور را فراهم می‌آورد. افزون بر این، درباره‌ی جرائم حرفه‌ای متصدیان امور دارویی نیز، در مقررات جاری کشور، با عنوان جرائم دارویی، بحث شده است (۶).

مال: «مال» واژه‌ای است عربی از فعل ماضی «میل»، به معنای خواستن. در زبان فارسی هم، به مال، «خواسته» می‌گویند (۷). در متون لغوی، مال را چنین معنا کرده‌اند: آنچه قابل تملک است (۸)؛ «آنچه در ملک کسی باشد و آنچه ارزش مبادله داشته باشد» (۹). «مال» در اصطلاح فقهی و حقوقی هم، به همان مفهوم عرفی خود به کار رفته؛ به هر چیزی که به دلیل نقشش در رفع نیازهای ضروری انسان، مورد رغبت قرار می‌گیرد، مال گفته می‌شود (۱۰) یا هر چیزی که ارزش اقتصادی داشته و قابل مبادله و قیمت‌گذاری به کالا و پول باشد، مال به حساب می‌آید (۷)؛ بدین ترتیب، مطلوبیت، داشتن منفعت عقلایی و مبادله‌شدنی بودن، از ارکان اصلی مالیت یک شیء‌اند (۷).

مصادره: «مصادره»، در لغت، به معنای مطالبه‌ی مال است (۹). در اصطلاح حقوقی، برای مصادره تعریف‌های نزدیک به همین بیان شده است: «دولت از تمام یا قسمتی از اموال فردی (شخصی)، سلب مالکیت کند و خود، آن اموال را در اختیار گیرد» (۱۱)؛ «دولت، مال دیگری را بدون پرداخت غرامت، به اجبار، بستاند» (۱۲) و «ضبط دائمی اموال و دارایی‌های خصوصی، بدون پرداخت غرامت» (۱۳)؛ اما با توجه به شمول‌پذیری این تعریف‌ها نسبت به «ملی کردن»، می‌توان مصادره را چنین معنا کرد: «تملک اموال خصوصی، بدون

ماده ۳، به محرومیت از اشتغال در امور دارویی، محکوم خواهند شد.

بیشتر جرائم دارویی در «فصل دوم قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی» و «قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی ۱۳۳۴ و اصلاحات بعدی» پیش‌بینی شده است. ماده ۲۷ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی، مقرر داشته است: «لوازم و ملزومات پزشکی و دندان‌پزشکی و آزمایشگاهی که برای تولید و یا وارد کردن آن‌ها، از ارز دولتی استفاده شده است، باید براساس ضوابطی که وزارت بهداشت تعیین می‌نماید، در مقابل ارائه‌ی فاکتور، با قیمت رسمی، در اختیار متقاضی قرار گیرد و تخلف از این امور، جرم بوده و متخلف، به مجازات‌های مقدر در ماده‌ی فوق‌الذکر محکوم می‌شود.» بنا بر تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۳ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی، هر یک از اشخاص موضوع ماده‌ی ۳ قانون مذکور یا مسئولان مراکز ساخت، تهیه، توزیع و فروش دارو، تجهیزات و ملزومات پزشکی، مبادرت به خرید و فروش غیرقانونی موارد فوق کنند یا موجب اخلاف در نظام توزیع داروی کشور شوند، علاوه بر مجازات مقرر در ماده‌ی ۳، به محرومیت از اشتغال در امور دارویی محکوم خواهند شد. رسیدگی به جرائم دارویی، در صلاحیت محاکم دادگستری (دادگاه انقلاب اسلامی) است. همچنین، در «آیین‌نامه‌ی داروخانه‌ها»، پس از بیان مقررات و ضوابط داروخانه‌ها، مجازات انتظامی تخلف از این مقررات نیز، پیش‌بینی شده است. ماده‌ی ۲۷ این آیین‌نامه، مقرر می‌دارد: «در اجرای بندهای ۱۲ و ۱۳ ماده‌ی یک قانون وظایف و تشکیلات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، با متخلفین از مفاد الزامات این آیین‌نامه در رابطه با لغو موقت یا دائم پروانه‌ی تأسیس داروخانه، به‌نحو زیر، رفتار خواهد شد.»

ماده‌ی ۱ قانون امور درمانی، مقرر می‌دارد: دارو باید طبق قیمت رسمی برای مصرف‌کننده، به متقاضی ارائه شود و قیمت هر قلم از داورهای ارائه‌شده، در نسخه، درج شود و نسخه نیز، به مهر داروخانه ممهور گردد و درباره‌ی نسخ بیمه‌ی خدمات درمانی، کپی نسخه (نسخه‌ی دوم)، پس از درج قیمت، مهر شود.

جرم‌انگاری در تولید دارو: جرم‌انگاری، رفتاری مبتنی بر تعارض آن رفتار با مبانی و اصول اخلاقی جامعه است؛ بنابراین، جرم‌انگاری رفتارهای مربوط به تولید داروی تقلبی، در پرتو ارزش‌های اخلاقی توجیه‌پذیر می‌شود. یکی از مصادیق رفتارهای مجرمانه در حوزه‌ی دارو، تولید داروی تقلبی است. بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۰)، «داروی تقلبی، دارویی است که به‌عمد و متقلبانه، در مورد خصوصیات یا منبع آن برچسب‌دار شود. تقلب می‌تواند در مورد هر دو محصول عمومی و تجاری به کار رود و محصول تقلبی می‌تواند شامل محصول با عناصر درست یا عناصر نادرست، بدون عناصر مؤثر، با عناصر مؤثر غیرکافی یا با بسته‌بندی جعلی باشد» (۱۷). این نهاد، در سال ۲۰۰۸، تعریف خود را چنین بازنگری کرد: «یک محصول پزشکی را زمانی می‌توان تقلبی نامید که توصیف نادرستی در مورد خصوصیات یا منبع آن وجود داشته باشد. خصوصیات، شامل محصول، ظرف محصول، بسته‌بندی یا اطلاعات برچسب، می‌شود. نقض یا انکار حق انحصاری اختراع، نباید با محصولات پزشکی تقلبی، اشتباه شود. محصولات پزشکی (عمومی یا تجاری) که اجازه‌ی بازاریابی در یک کشور معین را ندارند، ولی این اجازه برای کشورهای دیگر وجود دارد، تقلبی محسوب نمی‌شوند» (۱۷).

در کنار اصطلاح داروی تقلبی، اصطلاح داروی غیراستاندارد نیز، وجود دارد. بر اساس گزاره‌برگ شماره‌ی ۲۷۵ سازمان بهداشت جهانی، مورخ ۲۰۰۳، داروهای غیراستاندارد،

محصولاتی هستند که در عناصر و ترکیب آن، مشخصات صحیح علمی رعایت نشده است و در نتیجه، برای بیماران، غیرمؤثر و اغلب، خطرناک‌اند. محصول غیراستاندارد، نتیجه‌ی غفلت، خطای انسانی، منابع ناکافی مالی یا انسانی یا تقلب است. بر این اساس، داروهای تقلبی هم، بخشی از مفهوم وسیع داروهای غیراستاندارد است؛ ولی تفاوت آن با داروی غیراستاندارد، این است که بیشتر و به شکل متقلبان، درباره‌ی خصوصیات و منبع آن، برچسب دریافت کرده؛ درحالی‌که داروی غیراستاندارد، مبتنی بر قصور یا نتیجه‌ی پسرفت یا آسیب در زنجیره‌ی تولید و توزیع است. با توجه به ابهامات این تعریف در زمینه‌ی جداسازی داروی تقلبی از داروی غیراستاندارد، سازمان بهداشت جهانی، در سال ۲۰۰۹، داروی غیراستاندارد را چنین تعریف نمود: داروی غیر استاندارد محصولی است که خارج از مشخصات داروی واقعی تولید می‌شود؛ اگرچه تولیدکنندگان آن مورد تأیید مقامات ملی تنظیم دارویی هستند، اما مشخصات کیفی تنظیم‌شده توسط استانداردهای ملی را ندارد (۱۷). لازم به ذکر است که داروهای تقلبی یا تاریخ مصرف گذشته و وسایل آرایشی فاسد و نیز تولیدات غیر استاندارد، پس از مصادره، معدوم می‌شوند و چون این کار برای شخص محکوم، ضرر مالی ایجاد می‌کند (نقصان در اموال)، می‌توان آن را مجازات مالی به حساب آورد؛ زیرا معدوم کردن اموال مصادره شده، زمانی انجام می‌شود که داشتن و نگهداری شیء مورد نظر، فاقد مجوز شرعی و قانونی باشد. بر اساس نظریه‌ی مشورتی شماره‌ی ۴۸۳۷، مورخ ۱۳۶۱/۹/۱۷ اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه، برای معدوم کردن محصولات خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی غیرقابل مصرف انسانی، حضور نماینده‌ی دادستان، الزامی است (۱۸).

جرم‌انگاری در تجویز دارو: منظور از تجویز دارو، دستور

تهیه و مصرف فراورده‌ی دارویی است که بنا به مقررات موجود، بر عهده‌ی پزشک است (۱۹). قانون‌گذار نسبت به جرم‌انگاری تجویز دارو، قواعدی مختلف، مانند نظارت مسئولان، اخذ مجوز، اخذ کد استاندارد و... مطرح کرده است؛ اما در ماده‌ی ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی، برای کسانی که بدون داشتن صلاحیت حرفه‌ای، مرتکب چنین عملی می‌شوند، مجازات پیش‌بینی کرده است: «اشخاصی که در تهیه‌ی مواد دارویی، به هر کیفیتی، مرتکب تقلب شوند؛ از قبیل اینکه جنسی را به جای جنس دیگر قلمداد کنند یا آن را با مواد خارجی مخلوط سازند و همچنین، با علم به فساد و تقلبی بودن، آن را عرضه بدارند یا به فروش برسانند یا دارویی را به جای داروی دیگر بدهند، به مجازات محکوم می‌شوند.» در این ماده، نوع مجازات تجویز داروی تقلبی تعیین نشده است؛ اما اگر تجویز داروی تقلبی، به تنهایی، سبب مرگ بیمار شود، قانون‌گذار مجازات اعدام را برای آن پیش‌بینی کرده است (بند الف ماده‌ی ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی)؛ در صورتی‌که تجویز این گونه داروها، یکی از عوامل مؤثر در مرگ بیمار تلقی شود، مجازات آن، حبس ابد است (بند ب ماده‌ی ۱۸ همان قانون)؛ همچنین، اگر تجویز داروهای تقلبی منجر به بیماری دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس پنج‌گانه یا اعضای بدن بیمار شود، مجازات آن، حبس ابد با اعمال شاقه است (بند ب ماده‌ی ۱۸ همان قانون)؛ البته، این مطلب را می‌توان از ماده‌ی ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی نیز، استنباط کرد؛ زیرا طبق این ماده، ترک وظیفه‌ی پزشک که امری سلبی است، موجب مسئولیت او می‌شود؛ پس، به طریق اولی، تجویز داروی تقلبی، مسئولیت‌آور است.

جرم‌انگاری در تبلیغات دارو: تبلیغات مستقیم برای

مصرف‌کنندگان داروهای تجویزی، منجر به انتظارات غیرواقعی نسبت به اثربخشی داروها و عوارض جانبی آن‌ها و گاه، منجر به مرگ بیماران می‌شود. بر اساس ماده‌ی ۸۶ دستورالعمل EC/۸۳/۲۰۰۱ پارلمان و شورای اروپا، تبلیغ محصولات دارویی، هر شکلی از اطلاع‌رسانی را از طریق مراجعه‌ی حضوری یا عملیات نظرسنجی یا مشوق‌هایی که برای توضیح و آگاهی، تجویز، تأمین، فروش یا مصرف محصولات دارویی، طراحی شده‌اند، شامل می‌شود. بر اساس بند ۳ ماده‌ی ۹۸۷ این دستورالعمل، تبلیغ محصولات دارویی، باید استفاده‌ی معقول از محصولات دارویی را از طریق ارائه‌ی آن، به‌صورت بی‌طرفانه و بدون اغراق درخصوص مطلوبیت‌ها و مزایای آن محصولات، تشویق کند. افزون‌براین، همه‌ی قسمت‌های تبلیغ محصولی دارویی، باید با مشخصاتی که در خلاصه‌ی خصوصیات محصول آمده است، منطبق باشد. تبلیغ محصولات دارویی که مخاطب آن عموم مردم هستند، به موجب بند ۱ ماده‌ی ۸۸، در دو مورد ممنوع است: ۱. آن دسته از محصولات دارویی که بر اساس ماده‌ی ۷۱، نیازمند نسخه یا تجویز پزشک‌اند؛ ۲. داروهایی که بر اساس تعریف کنوانسیون‌های بین‌المللی، نظیر کنوانسیون‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۷۱ سازمان ملل متحد، حاوی ترکیبات روان‌گردان (پسیکو تروپ) و آرام‌بخش (مواد مخدر) هستند (۲۰).

بر اساس ماده‌ی ۱ قانون تبلیغات تجاری، تبلیغ غیرواقعی درباره‌ی فراورده‌های دارویی و آرایشی، ارائه‌ی اطلاعات نادرست، به هر روش، ازجمله در رسانه‌های داخلی و خارجی یا فضای مجازی درباره‌ی آثار مصرف مواد و فراورده‌های دارویی، خوراکی، آشامیدنی، آرایشی، گیاهی، طبیعی، مکمل و همچنین، تجهیزات و ملزومات پزشکی، دندان‌پزشکی، آزمایشی و خدمات سلامت، ممنوع و مرتکب، به حبس یا جزای نقدی

درجه‌ی شش و محرومیت از فعالیت شغلی و اجتماعی مرتبط، برای دو تا پنج سال، محکوم می‌شود. در صورتی که به مصرف‌کننده خسارتی وارد شود، افزون بر جبران آن، معادل دو تا پنج برابر خسارت وارد شده، به‌عنوان جزای نقدی، به این مجازات اضافه می‌شود.

مصادره‌ی اموال در جرائم دارویی

فعالیت در حوزه‌ی دارو، بدون گرفتن مجوز از وزارت بهداشت، جرم است. به موجب «تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۳ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی اصلاحی ۱۳۷۴/۲/۲۷»، واردات، صادرات و خرید و فروش دارو، بدون مجوز از وزارت بهداشت، جرم و مرتکب، به مجازات‌های مقرر در ماده‌ی ۳ همین ماده، محکوم و داروهای کشف‌شده، به نفع دولت مصادره می‌شود.

در مواد ۲۱ و ۲۲ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی، مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص نظام، به ضبط و مصادره‌ی همه‌ی ملزومات مؤسسه، به نفع دولت، اشاره شده است که اجرای آن، مطابق ماده‌ی ۱۱ قانون، به تشخیص «کمیسیون مرکب از سرپرست نظام پزشکی مرکز یا استان، برحسب مورد و مدیرعامل سازمان منطقه‌ای بهداشت و درمان استان و نماینده‌ی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» است. این کمیسیون، ابتدا، به تخلفات رسیدگی می‌کند و در صورت تشخیص وقوع جرم، مؤسسات دولتی، به کمیسیون تعزیرات حکومتی بخش دولتی و مؤسسات غیردولتی، به دادرسی انقلاب اسلامی، برای تعیین مجازات، معرفی می‌شوند. به موجب ماده‌ی ۶۲ قانون نظام صنفی کشور، مصوب ۱۳۸۲، اداره یا سازمان بازرگانی شهرستان یا استان نیز، صلاحیت ضبط و مصادره‌ی اموال را دارند. به این ترتیب، ضبط و مصادره، توسط این نهادها و دیگر نهادهای دولتی (قوه‌ی اجرایی) اعمال

تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، مصوب ۱۳۶۷، جرمی را پیش‌بینی کرده که گستره‌ی آن، مشخص نیست و می‌تواند به موارد حقوق مدنی هم، تسری پیدا کند؛ زیرا مشخص نیست مقصود قانون‌گذار از عبارت «به‌طور کلی، مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است» چیست. این حکم، به‌ظاهر، شامل مواردی که شخص از راه‌های غیرقانونی، همچون: کلاهبرداری، سرقت و اختلاس، مالی را به دست آورده است، می‌شود؛ اما بنا به تفسیر اداری حقوقی قوه‌ی قضائیه، گاه، تحصیل مال ناشی از کلاهبرداری، برخلاف تحصیل مال مسروقه، به خاطر عدم پیش‌بینی در قانون مجازات اسلامی، جرم تلقی نمی‌شود (۲۴). باوجوداین، در آثار حقوق‌دانان (۲۴ و ۲۵) و آرای بعضی دادگاه‌ها، جرمی با همین عنوان، به‌صورت مطلق، پذیرفته شده و شامل انواع شیوه‌های تحصیل مال به روش نامشروع، حتی جرائم مرتبط با امور دارو، می‌شود؛ اما نباید از یاد برد که جرم‌دانستن هر نوع تحصیل مال از راه فاقد مشروعیت قانونی، با اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات که در اصول ۳۶ و ۱۶۶ قانون اساسی و مواد ۲ و ۱۰ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است و همچنین، با اصول قانون‌گذاری، از قبیل اصل لزوم صراحت بیان قانون‌گذار در تشریع قوانین کیفری مغایرت دارد (۱۵).

به‌هرحال، قانون‌گذار، ضبط و مصادره‌ی اموال اشخاص را در صورتی که از راه‌های غیرقانونی به دست آمده باشد، جایز شمرده است. به موجب اصل ۴۹ قانون اساسی: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایرکردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق، رد کند و در صورت معلوم‌نبودن او، به بیت‌المال

می‌گردد. مصادره‌ی اموال در جرائم دارویی، از چند منظر، توجیه‌پذیر است: الف. به‌عنوان مجازات اصلی یا تکمیلی برای مجرمی که در اثر ارتکاب جرم یا با استفاده از روش مجرمانه، آن اموال را به دست آورده است؛ ب. برای احقاق حقوق عمومی و اعاده‌ی اموال بیت‌المال؛ ج. به منظور پیشگیری از وقوع جرم یا رفع خطر یا جلوگیری از ورود ضرر به افراد و جامعه، مانند مصادره‌ی داروهای تقلبی کشنده (۲۱).

مبانی فقهی مصادره‌ی اموال: در منابع فقهی، اصطلاح «مصادره‌ی اموال»، تنها، در چند مورد به کار رفته است، همچون: مصادره، به‌عنوان مجازات در «مصادره‌ی اموال محکوم»، «مصادره‌ی اموال ممتنع از پرداخت زکات»، «مصادره‌ی اموال مرتد فطری» و مصادره، به‌عنوان عدم مالکیت حکمی، همچون: «مصادره‌ی ادوات حرام» و «مصادره‌ی ابزار و آلات جرم». در میان فقه‌های معاصر، مرحوم آیت‌الله منتظری، پس از بیان چند روایت در بحث «قطاع و صفایای ملوک»، می‌نویسد: «شاید راز اینکه گفته می‌شود قطاع و صفایای ملوک، از آن امام است، آن است که این زمین‌ها از اموال عمومی بوده و از آنجاکه منافع این زمین‌ها، به تبعیت از اصل آن‌ها، به امام برمی‌گردد تا ایشان آن‌ها را به نفع امت مصادره نمایند» (۱).

بر اساس مبانی فقهی، افراد می‌توانند نسبت به اموال خود، اعمال مالکیت کنند (۲۲)؛ هرچند مصالح جامعه، گاه، سبب سلب این اختیارات از شخص می‌شود (۲۳)، مصادره‌ی اموال مشروع اشخاص را نیز، موجه می‌کند؛ ازاین‌رو، مصادره‌ی اموال را، از نظر فقهی، در دو فرض می‌توان بررسی است: مصادره‌ی اموال نامشروع اشخاص که به‌عنوان مجازات، در حقوق جزا به کار می‌رود و مصادره‌ی اموال مشروع اشخاص که به‌واسطه‌ی تأمین منافع عمومی، انجام می‌شود (۲۱):

اول، مصادره‌ی اموال نامشروع اشخاص: ماده‌ی ۲ قانون

بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقق و ثبوت شرعی، به وسیله‌ی دولت، اجرا شود. آن گونه که ملاحظه می‌شود، ضبط اموال در این اصل، به جز استرداد مال به مالک اصلی آن، استرداد به خزانه‌ی دولت را نیز، دربرمی‌گیرد که می‌توان آن را معادل مصادره‌ی اموال به نفع بیت‌المال دانست.

دوم، مصادره‌ی اموال مشروع اشخاص: مشروعیت مالکیت خصوصی و لزوم احترام‌گذاری به اموال و دارایی اشخاص، ایجاب می‌کند تا هرگونه تصرف در مال دیگری، بدون اجازه‌ی وی یا قائم‌مقام قانونی یا قائم‌مقام قراردادی او، مجاز نباشد؛ بدین ترتیب، مصادره‌ی اموال مشروع، از نظر تکلیفی، حرام و از نظر وضعی، باطل است. نظر به همین مطلب، فقهای مسلمان، حلال‌شمردن استفاده از مال دیگری را یکی از اسباب ارتداد دانسته‌اند؛ چراکه حرمت اموال و مالکیت خصوصی، از ضروریات فقهی است (۲۶). قاعده‌ی احترام به اموال، یکی از قواعد اساسی نظام اجتماعی اسلامی است (۲۷) که به منافع اموال و عملکرد اشخاص هم، سرایت می‌کند (۲۸)؛ یعنی اموال و منافع اموال و اعمال مشروع اشخاص را نمی‌توان بدون اجازه‌ی آن‌ها، از دستشان خارج کرد؛ بدون اینکه میان مسلمان و غیرمسلمان در این حکم تفاوتی وجود داشته باشد (۲۹)؛ در نتیجه، تصرف غیرمجاز در اموال دیگران، ممنوع و در صورت انجام، تصرف‌کننده، موظف به تدارک یا جبران خسارت وارد بر آن است (۳۰)؛ همچنان‌که بر اساس مدلول التزامی این قاعده، مالک می‌تواند به دیگران اجازه‌ی استفاده از مال خود را اعطا کند (۳۱). این احترام نسبت به املاک فاقد مالیت اشخاص نیز، تعمیم‌پذیر است (۳۲). باوجوداین، از آنجاکه مستند اصلی در روابط تجاری و معاملات، قاعده‌ی عقلی و شرعی ضرر‌نرسانی (لاضرر) است، حق تصرفات و مالکیت و معاملات، محدود به مصلحت و عدم ضرر به فرد و جامعه می‌شود که تشخیص آن

به عرف واگذار شده است (۳۳).

گفتنی است که مشروعیت مالکیت خصوصی، به معنای قیدناپذیری آن نیست و محدودیت‌هایی مختلف، از قبیل ممنوعیت ربا، رشوه، احتکار، اضرار به غیر و مالیات‌های ثابت، مانند زکات و خمس و مالیات‌های متغیر که توسط حکومت اسلامی وضع می‌گردد، متوجه این نوع مالکیت است. امام‌خمینی (ره)، در دفاع از مصادره‌ی اموال نامشروع، با تصریح به این موضوع، فرموده‌اند: «مسأله‌ی مالکیت، به یک معنا، مالکیت هم مشروع، هم مشروط، محترم است؛ لکن معنا این نیست که هر کس هر کاری می‌خواهد بکند و مالکیت از هر جا می‌خواهد پیدا بشود؛ مشروع‌بودن، معنایش این است که روی موازین شرعی باشد؛ ربا در کار نباشد، مال مردم، استثمار بی‌جهت نباشد. اگر به من نسبت دادند که حد و مرزی ندارد، اگر مقصودشان، این است که حد و مرزی ندارد، یعنی نه قیدی دارد و نه حدی دارد، این، غلط نسبت دادند... مالکیت، در صورتی که مشروع باشد، روی موازین باشد، محترم است؛ چه ما مرتجع باشیم، چه نباشیم و مالکیت غیرمشروع، محترم نیست» (۱۴).

اما، حاکمیت اصل پرهیز از ضرر‌رسانی، اصل مالکیت حاکم اسلامی نسبت به منافع عمومی و اصل ولایت حاکم عادل اسلامی، سبب می‌شود تا حاکم اسلامی، هم، حق تصرف در منابع عمومی را داشته باشد و هم، بنا به مصالح کلی، در اموال خصوصی تصرف کند (۳۳)؛ ازاین‌رو، با توجه به اصل قانونی‌بودن مجازات‌ها (اصل ۳۶ قانون اساسی) و لزوم توجه به آن در صدور آرای قضایی، قانون‌گذار موارد زیر را مصداق مصادره‌ی اموال دانسته است: ۱. وسایل نقلیه‌ی حامل مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی، به نفع دولت، ضبط و با تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر، در اختیار سازمان کاشف

بلکه علامه حلی، به صراحت، گرفتن مال به عنوان تعزیر را جایز ندانسته است (۴۰)؛ ولی چنین نقدی، موجه به نظر نمی‌رسد؛ زیرا عدم فتوای فقهای امامیه به جواز تعزیر مالی، به این دلیل است که اجرای این تعزیر، از شئون حکومت بوده و فقهای امامیه، در طول تاریخ، در اداره‌ی جامعه نقشی نداشته‌اند (۴۱)؛ از این رو، بسیاری از فقهای معاصر، دلایل مشروعیت تعزیر مالی را بررسی کرده‌اند (۳۸، ۴۱ و ۴۲).

به هر روی، با وجود قاعده‌ی کلی احترام مال مسلمان، مبنای فقهی اجرای مصادره نسبت به داروهای تولیدی بدون مجوز، عدم مالیت آنهاست؛ ولی چنین استدلالی، همیشه، صادق نیست؛ زیرا در بسیاری از موارد، چنین داروهایی مالیت خود را از دست نداده، تنها، مجوز تولید ندارند؛ به همین دلیل، قانون‌گذار تصریح می‌کند که این داروها «در صورت لزوم، معدوم خواهد شد»؛ چراکه در صورت فاسدنبودن، مالیت داشته، لزومی بر انعدام آنها نیست. با وجود این، مصادره‌ی داروهای تولیدی بدون مجوز، به نفع دولت، از این جهت توجیه‌پذیر است که تعزیر، در لغت، به معنای «منع» به کار رفته است: «اصل التعزیر، المنع» (۴۳) و مصادره‌ی اموال، نوعی مجازات بازدارنده به حساب می‌آید (۴۴). شاهد بر این نگرش در مفهوم تعزیر، سخن ابوصلاح حلبی است؛ وی در این باره می‌نویسد: «التعزیر تأدیب تعبد لله سبحانه به لردع المعزر و غیره من المکلفین»^۱ (۴۵)؛ همچنین، جزیری، از فقهای اهل سنت، تعزیر را چنین تعریف کرده است: «التعزیر فهو التأدیب بما يراه الحاكم زاجراً لمن يفعل فعلاً محرماً عن العقوبة الي هذا الفعل»^۲ (۳۵)؛ به همین دلیل، برخی فقهای معاصر، هر کاری را که مانع از ادامه‌ی جرم و بازگشت مجرم به جرم شود، مصداق تعزیر شمرده‌اند

قرار می‌گیرد (ماده‌ی ۳۰ قانون اصلاح مبارزه با قاچاق مواد مخدر، مصوب ۱۳۸۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام)؛ ۲. وسایل نقلیه‌ی حامل مشروبات الکلی (تبصره‌ی ۱، ماده‌ی ۷۰۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵)؛ به شرط آنکه بین خودروی حامل مواد مخدر یا مشروبات الکلی و شخصی که با آن خودرو مرتکب جرم شده، رابطه‌ی مالکانه باشد یا این خودرو، با رضایت مالک آن، برای حمل مواد مخدر یا مشروبات الکلی استفاده شود (ماده‌ی ۵۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و قانون مبارزه با قاچاق، مصوب ۱۳۸۳ و ماده‌ی ۸ قانون مبارزه با قاچاق انسان، مصوب ۱۳۸۳).

کاربست مصادره‌ی اموال در جرائم دارویی: بررسی نویسندگان، نشان می‌دهد که در چهار ماده از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی، مسأله‌ی ضبط و مصادره‌ی اموال مطرح شده است:

در ماده‌ی ۱۵ این قانون آمده است: «کسانی که بدون اجازه‌ی وزارت بهداشت، مواد دارویی و غذایی مندرج در ماده‌ی ۱۴ را وارد نمایند و یا در داخل کشور بسازند، مواد مزبور به نفع وزارت بهداشت، ضبط و در صورت لزوم، معدوم خواهد شد و به علاوه، مرتکبین، به پرداخت ده هزار تا یکصد هزار ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.» در این ماده، برای شخصی که بدون مجوز، اقدام به تولید دارو کرده، دو مجازات جرمه‌ی نقدی و مصادره‌ی داروهای تولیدی، در نظر گرفته شده است. جرمه‌ی نقدی، از نظر فقهی، قابل دفاع است؛ زیرا به نظر بسیاری از فقهای مسلمان، مجازات «تعزیر»، منحصر در شلاق نیست (۳۴-۳۸)؛ هر چند گروهی نیز، تعزیر مالی را نپذیرفته‌اند (۳۹)؛ زیرا نه تنها فقهای امامیه بر جواز تعزیر مالی فتوا نداده‌اند،

۱. تعزیر ادب کردن است برای بندگی خداوند در جهت بازداشتن شخص تعزیرشده و غیر او (از مفاسد و معاصی).

۲. تعزیر ادب کردن است مطابق آنچه که حاکم مصلحت می‌داند، برای بازداشتن کسی که کار حرامی را مرتکب شده است.

(۴۶). افزون بر این، مشروعیت مصادره، در چنین مواردی، با استناد به دو قاعده‌ی «لکل محرم التعزیر» (۴۵) و «التعزیر بید الحاکم» (۴۷) اثبات شدنی است.

مصادره‌ی اموال، به عنوان مجازات بازدارنده، دربرگیرنده‌ی دو جنبه‌ی سلبی و ایجابی است؛ سلب مالکیت مال از مالک آن و اعطای مالکیت آن‌ها به دولت. در برخی گزارش‌های تاریخی، مجازات با سلب مالکیت وجود دارد؛ مانند حکم امیرالمؤمنین به خراب کردن یا آتش زدن خانه‌ی افرادی که به معاویه می‌پیوستند؛ مانند جریر بن عبدالله بجلی، ابن معتم، حنظل بن ربیع (۴۸)، ابواراکه بن مالک بن عامر قسری (۴۹) و مصقله ابن هبیره (۵۰)؛ همچنین، تهدیدهای پیامبر اسلام (ص) مبنی بر آتش زدن خانه‌ی کسانی که نماز جماعت را ترک می‌کردند (۳۷)؛ اما حکم ایجابی مصادره، یعنی تملیک این اموال برای دولت اسلامی، مبتنی بر قاعده‌ی «الحاکم ولی من لا ولی له» است (۵۱)؛ زیرا با سلب مالکیت از مجرم، این اموال، بدون مالک به حساب می‌آیند و دولت اسلامی، آن‌ها را تملک می‌کند؛ بدین ترتیب و با توجه به مسلم بودن قاعده‌ی احترام مال مسلمان، حکم به مصادره، زمانی جایز است که راه‌های بازدارنده‌ی دیگر، همچون: ممنوعیت فروش یا ممنوعیت بهره‌برداری، اجراشدنی نباشد. افزون بر این، اگر تنها دلیل مصادره‌ی دارویی تولیدی، نداشتن مجوز تولید باشد، بدون آنکه در کیفیت دارو خللی وارد شده باشد، بدون نیاز به استفاده از ابزار بازدارنده‌ی مصادره‌ی اموال، تولیدکننده سزاوار جرمه‌ی نقدی یا غیرنقدی می‌شود؛ از این رو، اصلاح اطلاق ماده‌ی ۱۵ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی، به منظور جلوگیری از تعرض به اموال اشخاص، ضروری به نظر می‌رسد. تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی

و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی، مقرر می‌دارد: «کلیه‌ی کالاهای تقلبی، پس از صدور حکم قطعی، معدوم و کارگاه‌ها و ابزار و اسباب و آلات تهیه‌ی مواد مزبور، به نفع دولت، ضبط خواهد شد.» این تبصره از دو جنبه قابل تحلیل فقهی است:

اول: حکم به نابود کردن کالاهای تقلبی، مطلق بوده، قانون‌گذار، کالاهای تقلبی را فاقد ارزش مالی به حساب آورده است؛ درحالی‌که چنین نیست؛ گرچه در برخی موارد، تقلبی بودن دارو، به معنای فساد و بی‌ارزش بودن آن است؛ ولی در برخی موارد، تقلبی بودن، به معنای کم‌ارزش بودن آن دارو است؛ برای مثال، داروی سالم تولیدشده در یک شرکت داروسازی گمنام، با نام تجاری (برند) یکی از شرکت‌های داروسازی معروف، با چند برابر قیمت واقعی‌اش، فروخته شود؛ در نتیجه، باید بین کالاهای فاقد ارزش و کالاهای کم‌ارزش، تفصیل قائل شد و حکم به نابودی آن‌ها را تنها، برای گروه اول پذیرفت.

دوم: حکم به ضبط کارگاه‌ها و ابزار و اسباب و آلات تهیه‌ی مواد مزبور به نفع دولت، درحالی‌که این موارد، جزء اموال خصوصی هستند و در شرایط عادی، مشمول قاعده‌ی احترام اموال می‌شوند. در اثبات روایی فقهی این تبصره، می‌توان به سنت فعلی امامان معصوم (ع) استناد کرد که براساس آن، چون ابزار انجام عمل حرام از مالیت شرعی ساقط می‌شود، از بین بردن آن‌ها، جایز و گاه، واجب است؛ برای نمونه، پیامبر اسلام (ص)، بعد از نزول آیه‌ی حرمت مشروبات الکلی^۱ دستور دادند که ظرف‌های شراب، شکسته شود (۵۲-۵۴) یا امیرالمؤمنین، دستور دادند تا مرکز فروش مشروبات الکلی تخریب شود (۵۵). سعد بن ابی وقاص از پیامبر (ص) نقل می‌کند که اگر کسی حرمت شهر مدینه را نگه ندارد و اقدام به شکار یا بریدن درخت

۱. سوره مائده، آیه ۹۰

کند، گرفتن ابزارهای این کار از او جایز است (۵۶و۵۳)؛ همچنین، پیامبر(ص) فردی را که از راه دزدن کسب درآمد می‌کرد، تهدید به مصادره‌ی لباس و وسایلش کردند (۵۷).

صرف‌نظر از ضعف‌سندی این روایات و ناتوانی آن‌ها از تخصیص قاعده‌ی احترام مال مسلمان، بنا به نقل مفسران شیعه، هنگام نزول آیات تحریم خمر، پیامبر(ص) ظرف‌های مشروبات الکلی را خالی کردند؛ ولی آن‌ها را نشکستند (۵۸) و به همین دلیل، هیچ‌یک از فقهای امامیه، برای شارب خمر یا فروشندگی آن، مجازات شکستن ظرف خمر یا تخریب مراکز فروش خمر را در نظر نگرفته‌اند (۳۷)؛ در نتیجه، اعیان نجسه، معدوم و مصرف‌کنندگان یا توزیع‌کنندگان آن مجازات می‌شوند؛ ولی ظرف یا مراکز تولید آن‌ها، از مالیت، ساقط نمی‌شود و به صاحبانشان برگردانده می‌شوند. بر این اساس، می‌توان مصادره‌ی اموال را که به‌معنای استیلا‌ی حاکم بر تمام یا قسمتی از دارایی محکوم‌علیه است و جزء مسئولیت‌های کیفری اشخاص قلمداد می‌شود (۵۹)، نوعی تعزیر دانست که به صلاح‌دید حاکم شرع انجام می‌شود (۴۶).

ماده‌ی ۱۹ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی، ناظر به فروش داروهای تقلبی است. تبصره‌ی ۲ آن مقرر کرده است: «وزارت بهداشت و بهداشتی شهرداری‌ها، مکلف‌اند مراکزی که مواد دارویی و یا غذایی و یا آشامیدنی می‌سازند و یا می‌فروشند، معاینه و در صورتی که مواد مزبور یا ظروف آن‌ها، موافق اصول بهداشتی نباشد، به سازنده یا فروشنده، اخطار نمایند که طبق اصول بهداشتی اقدام کنند. در صورت تخلف از دستور بهداشتی، متخلف، به حبس تأدیبی از یک ماه تا شش ماه، محکوم خواهد شد و دادگاه، ضمن حکم خود، طبق تقاضای بهداشتی شهرداری، دستور خواهد داد آنچه را که مخالف با دستورهای بهداشتی

ساخته شده، معدوم و یا ضبط یا به مصرف معینی برسانند.» مفاد این تبصره، ضبط مواد دارویی یا ظروف نگهداری داروهای است که بدون رعایت اصول بهداشتی ساخته شده‌اند. ممکن است این ضبط اموال که با تقاضای بهداشتی شهرداری‌ها انجام می‌شود، به‌عنوان مجازات دوم، در کنار حبس و به استناد قاعده‌ی نفی ضرر باشد؛ زیرا باقی‌ماندن این داروها یا ظروف آن‌ها نزد مالکانشان، آن هم پس از اخطار قانونی، موجب آسیب‌رساندن (اضرار) به جامعه است و حکم به مصادره‌ی آن‌ها، برای جلوگیری از وقوع این آسیب‌رسانی است. سلب احترام به مالکیت خصوصی، زمانی که اعمال حق مالکیت، موجب آسیب‌دیدگی دیگران می‌شود، برگرفته از موضوع صدور روایت لاضرر است؛ آنجا که پیامبر(ص) دستور به قطع نخل خرما‌ی متعلق به سمره‌بن جندب دادند (۶۰).

شیخ انصاری معتقد است که نفی ضرر، موجب جواز قلع درخت نمی‌شود (۶۱)؛ ولی بنا بر نظریه‌ی «نهی سلطانی»، این اشکال منتفی است (لقواعد الفقهیه و الاجتهاد و التقليد) (۶۲)؛ افزون‌براین، از سویی، حکم به قلع درخت، به این دلیل است که با اصرار بر اضرار، احترام مال از بین می‌رود و از سوی دیگر، قاعده‌ی احترام، از فروع قاعده‌ی سلطنت است و قاعده‌ی سلطنت، دو جزء دارد: جواز تصرف در مال خود و جواز منع دیگران از تصرف مال خود و چون قاعده‌ی لاضرر، حاکم قاعده‌ی سلطنت است، در فرض ضرررسانی به دیگری، جایی برای حفظ احترام مال دیگری باقی نمی‌ماند (۶۳)؛ همچنان‌که می‌توان مدعی شد سلب احترام مالکیت خصوصی و حکم به قطع درخت، نتیجه‌ی لزوم نفی ضرر است (۶۴)؛ در نتیجه، مفاد نفی ضرر، افزون بر حرمت ضرررسانی به دیگران، ایجاد صلاحیت اجرایی برای حاکم نسبت به انهدام اسباب ضرررسانی به دیگران (۶۴) از باب ولایت بر امور عامه است

(۶۵ و ۲۸).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد:

۱. در مواردی که مصادره‌ی اموال، به‌عنوان مجازات بازدارنده مطرح می‌شود، سلب مالکیت اموال از مالک، مستند به قاعده‌ی «الحاکم ولی کل ممتنع» و مستند اعطای مالکیت اموال مصادره‌شده به دولت، قاعده‌ی «الحاکم ولی من لا ولی له» است؛ زیرا با سلب مالکیت از مجرم، این اموال، بدون مالک، به حساب می‌آیند، دولت اسلامی، به‌عنوان حاکم، بر این اموال، ولایت دارد و آن‌ها را تملک می‌کند.

۲. با توجه به اعتبار قاعده‌ی احترام مال مسلمان، جواز مصادره‌ی اموال، مشروط به آن است که راه‌های بازدارنده‌ی دیگر، مانند ممنوعیت فروش یا ممنوعیت بهره‌برداری از آن اموال، به‌صورت موقت یا دائم، اجراشدنی نباشد.

۳. جرائم دارویی، به تمامیت جسمی انسان‌ها آسیب رسانده، قانون‌گذار با وضع قوانین بازدارنده و تأدیبی، ازجمله مصادره‌ی اموال، درصدد است از رشد فزاینده‌ی آن‌ها جلوگیری کند.

۴. از آنجاکه معدوم‌کردن داروهای تقلبی، پس از مصادره، مستلزم ایجاد ضرر مالی (نقصان در اموال) برای مالک آن است، نوعی مجازات مالی محسوب می‌شود. مصادره‌ی داروهای تقلبی یا تاریخ‌مصرف‌گذشته نیز، راهی است برای پیشگیری از وقوع جرم و جلوگیری از ورود ضرر به افراد و جامعه.

منابع

1. Montazeri H. Al-Khums and Al-Anfal, Qom: Purple of Knowledge, 2007 , 508 ,525 , 340-341.
2. Katzung G. Basic and Clinical Pharmacy (Twelfth Century Pharmacy, USA). Washington; McGraw-Hill Companies, 2012; 3.
3. Zargoosh M. Administrative Law (Property Acquisition, Quasi-Acquisitions and Expropriation of Capital by the Government). Tehran: Mizan; 2018. [in Persian].
4. Mohammadi H. Confiscation, Confiscation, Return and Collection of the Proceeds of Mohammadi's crime. Tehran: Ganj-e-Danesh; 2016. [in Persian].
5. Dalir H. Confiscation Law. Tehran: Mizan; 2019. [in Persian].
6. Razman A. Health, medical and pharmaceutical crimes in Iranian criminal law. Tehran: Qanun Yar; 2018. [in Persian]
7. Jafari Langroudi M. Extensive in Legal Terminology. Tehran: Ganj-e-Arsh; 1999. p 3128, 3126. [in Persian]
8. Ibn Manzoor M. Lisan Al-Arab. Beirut: Dar al-Fikr; 1993. p. 636. [in Arabic]
9. Moein M. Moein Culture. Tehran: Moein Publications; 1994. p. 3078. [in Persian]
10. Ansari M. Ketab Al-Makaseb. Qom: Dar-Althakhaer; 1990. p.161. [in Persian]
11. Bahrami Ahmadi H. Abuse of Right. Tehran: Information Publications; 1987. p. 363. [in Persian]
12. Rawas QalaJi M. Moajam loghat-o-Foghaha. Beirut: Dar al-Nifais; 1993. p.83. [in Arabic]
13. Maurice J. Confiscation of Private Property and Assets by the Government from the Perspective of British Law. Bar Association. 1979; 146: 190-215.
14. Mousavi Khomeini R. Sahifa Imam: Collection of works of Imam Khomeini (RA). Tehran: Imam Khomeini Publishing House; 1988. Vol.7, p.271-273; Vol. 10, p. 10, 138, 476-7. [in Persian]
15. Ardebili M. Public Criminal Law. Tehran: Mizan; 2013. p. 171,213. [in Persian]
16. Mohammadi H. Review of Articles 10 of the Islamic Penal Code and 107 Rules of Criminal Procedure. Tehran: Azad University; 1994. p.308. [in Persian]
17. Cliff J. Counterfeit drugs and its punishment. London: Oxford 2010. p. 9
18. Shahri Gh, Sotoudeh Jahromi S. Advisory Opinions of the Judicial Legal Department on Criminal Matters. Tehran: Official Gazette of the Country 2014. [in Persian]
19. Hekmatnia E. Civil Liability in Imami Jurisprudence (Principles and Structure). Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture; 2007. p.122. [in Persian]
20. Ahmadi A. Criminal Liability in Electronic Commerce. Tehran: Islamic Azad University; 2015. p.36. [in Persian]
21. Rafiei A. The position of the government in the Islamic economic system. Islamic Economics. 2007; 28: 37-60. [in Persian]
22. Hosseini M. Ownership of production tools and its share of the product in the perspective of Islam. Tehran: Tarbiat Modares University; 1997. p.16. [in Persian]
23. Hadavi Nia A. Based on the Theory of Government in the Holy Quran. Islamic Economics. 2007; 26: 7-32. [in Persian]
24. Bagherzadegan A, Mirzaei M. Objectives and realm of criminalizing the acquisition of property through illegitimate property. Detective. 2013; 23: 78-96.
25. Golduzian E. The Edge of the Islamic Penal Code. Tehran: Majd Publications; 2014. p. 546. [in Persian]
26. Imami Khansari M. Bashir al- makaseb, qom: Unpublished, Dateless , (<https://noorlib.ir/book/view/10861?viewType=pdf>), 122.
27. Sabzwari A. Mohazab al-ahkam. Qom: Al-Manar Foundation; 1992. vol. 11, p.295. [in Persian]
28. Makarem Shirazi A. Al-Qawa'd al-Fiqhiya. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School; 2011. vol. 2, p.218; Vol. 1, p.77.
29. Ameli Z. Masalek al-Afham. Qom: Islamic Knowledge Foundation; 1992. Vol. 3, p.403.
31. Mousavi Khalkhali M. Figh al-Shia (Ketab al-Ijareh). Tehran: Cultural Center of Munira

- Publications; 2006. p. 860. [in Persian]
31. Sadr M. Mavara al-Feghh. Beirut: Dar Al-Azwa; 1999. Vol 3, p.290. [in Arabic]
32. Mousavi Khomeini R. Kitab al-Bayy. Tehran: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini; 2000. Vol. 3, p.190. [in Persian]
33. Mirzaei A. Land Laws and Regulations in the Current Law Order. Tehran: Behnami Publications; 2011. Vol. 1, p.1080. [in Persian]
34. Ibn Hazm AS. Al-Mahali Bal-Athar. Beirut: Dar Al-Jail; 1981. vol. 9, p.65. [in Arabic]
35. Jaziri A. Jurisprudence on the four religions. Beirut: Dar al-Thaqalin; 1998. Vol. 5, p401; Vol. 5, p.317; Vol. 5, p27. [in Arabic]
36. Ibn Qadameh M. Al-Mughni. Cairo: Cairo Library; 1968. vol. 10, p.348.
37. Montazeri H. The jurisprudential principles of the Islamic government. Tehran: Keyhan; 1988. Vol. 3, p.502; Vol. 3, p.514. [in Persian]
38. Mousavi Ardebili A. Fiqh Al-Hudood wa Ta'zeeratah. Qom: Publishing Institute for University Mofid; 2006. Vol.1, p. 55-63, 531. [in Persian]
39. Safi Golpayegani L. Ta'zir, rulings and limits, Qom: His Majesty's Office , Dateless (<https://noorlib.ir/book/view/664?pageNumber=7&viewType=pdf>) 90.
40. Allama Hali H. Tahriri al-Ahkm. Qom: Imam Sadegh (as) Institute; 1999. Vol.5, p. 411. [in Persian]
41. Montazeri H. Studies in the jurisprudential province and jurisprudence of the Islamic state. Qom: Tafkar Publication; 1993. Vol. 2, p.341; Vol. 2, p.329-45. [in Persian]
42. Fadhil Lankarani M. Tafsil al-Shari'ah - Al-Hudood. Qom: Center for the Jurisprudence of the Imams; 2002. p. 427-8. [in Persian]
43. Ibn Athir M. Al-Nahaya Fi Gharib Al-Hadith and Al-Athar. Qom: Ismaili Press Institute; 1988. Vol. 3, p.228. [in Persian]
44. Makarem Shirazi E. Ta'zir and Its Scope. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib (AS) School; 2004. p.164. [in Persian]
45. Abu Salah T, Al-Kafi fi Al-Fiqh, Isfahan: Public Library of Imam Amir al-Mo'menin Ali (AS); 1982. p. 416. [in Persian]
46. Mousavi Khomeini R. Tahrir al-Wasileh. Tehran: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini; 2013. Vol. 4, p.97; Vol. 2, p.64. [in Persian]
47. Mohaghegh Damad M. Rules of Jurisprudence. Tehran: Islamic Sciences Publishing; 2005. Vol. 4, p236; Vol. 4, p.223. [in Persian]
48. Manqari N. Waqqa Safina. Qom: Maktab Ayatollah Al-Marashi Al-Najafiya; 1983. p. 61, 97. [in Persian]
49. Ibn Abi Al-Hadid A. Explanation of Nahj al-Balagheh. Qom: Public Library of the Great Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi; 1951. Vol. 3, p.118.
50. Nouri H. Mustadrak al-Wasa'il va Mustanbat al-Masa'il. Beirut: Al-Bayt Foundation; 1970. p. 17, 404.
51. Satayesh R. [Rascal fi velayat al-faghih]. Qom: Bustan; 2010. p. 114.
52. Tirmidhi M. Sunan al-Tirmidhi. Egypt: Company of Mustafa Al-Babi Al-Halabi Library and Press; 1975. Vol. 2, p.379.
53. Ibn Hanbal A. Musnad al-Imam Ahmad Ibn Hanbal. Cairo: Dar al-Hadith; 1995. Vol. 2, p.71, 132; Vol. 1, p.170.
54. Shokani M. Nil al-Awtar. Cairo: Dar al-Hadith; 1993. p. 330.
55. Ibn Taymiyyahal-hesbeh fi al-islam (Duty of the Islamic Government), Kingdom of Saudi Arabia: Ministry of Islamic Affairs, Endowments, Call and Guidance 1996 , 59.
56. Abu Dawud S. Sunan Abi Daud. Beirut .Dar al-Risala al-Alamiya; 2009. Vol. 1, p.470.
57. Ibn Majah M. Sunan Ibn Majah. Beirut: Dar al-Risala al-Alamiya; 2009. Vol. 2, p.872.
58. Bahrani F. Al-Burhan fi Tafsir Al-Quran. Qom: Ba'ath Institute; 1993. Vol. 2, p.353.
59. Walidi M. Criminal Liability of Legal Entities in the Light of the Islamic Penal Code. Tehran: Azad University; 2013. p. 117.
60. Hor Amelia M. vessel al-Shia. qom: Institute of al al-beit Institute; 1980. Vol 25, p.428.
61. Ansari M. Treatises on Jurisprudence. Qom:

World Congress in Honor of Sheikh Azam Ansari; 1993. p. 111.

62. Mousavi Khomeini R. Al-Rasa'il. Qom: Ismaili Press Institute; 1989. Vol. 1, p.59. [in Persian]

63. Khansari M. Treatise on the Rule of Negation of Harm. Najaf: Public Muhammadan Library;

2000. p. 209.

64. Sadr M. No harm and no harm. Qom: Faraqd; 2007. p. 211,232. [in Persian]

65. Sistani AS. the rule of no harm and no harm. Qom: School of the Grand Ayatollah Al-Sayyid Al-Sistani; 1993. p. 204.

Original Article

Jurisprudential Legal Explanation of Confiscation of Property in Drug Crimes

Saeid Nazari Tavakkoli^{*1}, Hojjat Azizollahi²

1. Professor, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. PhD student, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 31 January 2021

Accepted: 11 July 2021

Published: 9 November 2021

***Corresponding Author**

Saeid Nazari Tavakkoli

Address: Shahid Motahari St., Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran.

Postal Code : 1576613111

Tel: (+98) 21 42 76 22 83

Email: sntavakkoli@ut.ac.ir

Citation to this article:

Nazari Tavakoli S, Azizollahi H. Jurisprudential Legal Explanation of Confiscation of Property in Drug Crimes. *Medical Ethics and History of Medicine*. 2021; 14: 264

Abstract

Drug crimes, regardless of the economic consequences, have threatened public and individual health and determined the international community to combat them effectively. Therefore, in the laws in question, confiscation of property is considered as a punishment for criminals of drug crimes; while from a jurisprudential point of view, this punishment has faced challenges. The findings of the present study performed using descriptive-analytical method and based on library sources show that the legislator has accepted the confiscation of property as a punishment for some drug crimes in article 18 of the Law on Medical and Pharmaceutical and Food and Beverage Regulations. According to jurisprudence, although man has the right of ownership over his property and assets, it does not mean he is absolute owner. According to special circumstances and assuming the existence of public interests, this right can be ignored in the form of confiscation of property provided that other deterrents to committing drug offenses are not applicable.

Keywords: Drug crimes, Drug, Confiscation of property, Jurisprudence.

